تعبیر «فتامل» وحید بهبهانی در احتمال سوم ذیل روایت اسحاق بن عمار

سید می‌فرمایند: **«و فیه نظر».** وحید در ابتدای رساله همین را می‌گویند. ولی بعد می‌گویند «فتامل». این عبارتی را دارند. من عبارت وحید را می‌خوانم. کتاب رؤیت هلال، جلد اول، صفحه چهارصد و نود و نه، شروع رساله است؛ «مسألة: إذا رئي الهلال قبل الزوال»[1].

مقابله وحید بهبهانی با فتاوای شاذه در کتب و رسائل خود

مرحوم وحید از این کارهای فقهی زیاد دارند. شاید کسی جمع‌آوری کند مقاله بلند بالایی شود. در زمان ایشان بلکه مقداری قبل از قرن یازدهم، فتاوایی در فضای فقه می‌آید که حالشان حال شذوذ است. شذوذی نسبت به فقه سابق. کلاس فقه که مستقر شده بود، از نیمه دوم قرن دهم و قرن یازدهم، این فتوا می‌آید. خُب علمیت وحید هم معلوم است. گویا ایشان در اینجا آمده‌اند، یک یال و کوپالی به پا کرده‌اند! در اینکه یک سدی ایجاد کنند تا این فتاوای شاذه، در فقه، تاریخ فقه و کلاس فقه ادامه پیدا نکند. البته موفق هم بودند. یعنی وحید شخصیتی داشتند که توانستند این کار را بکنند. ایشان چند کتاب دارند. همه کتاب‌های ایشان همینطور است؛ حاشیه مفاتیح الشرایع دارند، حاشیه مدارک دارند، مصابیح الظلام هم دارند، الفوائد الحائریه.

> 36:04

شاگرد: شرح وافی هم دارند.

استاد: بله، شاید با آن مندمج شود.

علی ای حال اینها کتاب‌هایی است که وحید دارند. این رساله شده و چه بسی در جاهای دیگر هم فرموده باشند. ببینید در قرن یازدهم فتوایی که تنها به سید نسبت می‌دادند زنده شد. یکی بحث عدد بود که همان سال‌های اولیه رفت. با فاصله چندین قرن بین فقها در مسائل رؤیت هلال اختلاف داغی نبود که فتوای غیر مشهور به میدان بیاید. تا قرن یازدهم آمد. در قرن یازده صاحب ذخیره و شخص دیگری آمدند و از حرف سید مرتضی دفاع کردند. البته اگر نسبت سر برسد. که

سید فرموده اند رؤیت قبل از زوال هم مجزی است. طبق این روایات. صاحب ذخیره هم از ایشان دفاع کردند. تولد وحید بهبهانی در زمانی بوده که شاید چهل-پنجاه سال از وفات صاحب ذخیره گذشته بود. این فتاوا آمده بود. همچنین فیض. ایشان اینها را رساله کردند. چرا؟ چون بعد از صاحب ذخیره، شاگردان صاحب ذخیره رد یه نوشتند و اثبات کردند؛ یعنی رفتوبرگشت شد. همچنین این رفتوبرگشت ها بین پسرشان شیخ جعفر در اصفهان بود، بهطوریکه زمانیکه وحید بود، ایشان خواستند رسالهای بنویسند که این فتوای مشهور را تحکیم کنند و آن فتوای غیر مشهوری که بازارش داغ شده بود را از میدان کنار بگذارند.

این رساله را برای آن نوشتند. از عجائبی که صاحب جواهر گفتهاند و خیلی عجیب است، این است که شاگرد خود وحید، سید بحر العلوم دوباره برگشتند و حرف استاد را نپذیرفتند و به آن خلاف مشهور فتوا دادند. تعبیری محترمانه ای بود، اما تند بود. گاهی با اینکه تعبیری از احترام خارج نشده اما تند است. صاحب جواهر برای سبد بحر العلوم این تعبیری تند و محترمانه را داشتند؛ فرمودند: «لكن من غرائب الاتفاق خيرة العلامة الطباطبائي له في مصابيحه مع استقامة طريقه»[2].

من زمینه اینکه چرا این رساله از وحید صادر شده را توضیح میدهم. این فتوای غیر مشهور داغ شده بود، لذا وحید این رساله را نوشتند. لذا میفرمایند:

> **مسألة: إذا رئي الهلال قبل الزوال، فالمشهور بين الفقهاء (رضوان الله عليهم) عدم الفرق بينه و بين أن يري بعد الزوال، بل هذا هو المعروف منهم، إلّا ما نقل عن السيّد رحمه اللّه أنّه إذا رئي قبل الزوال، فهو لليلة الماضية. و ظاهره وجوب الإتمام لو كان صائما في يوم الثلاثين من شعبان، و وجوب الإفطار في يوم الثلاثين من رمضان. و ما قيل: إنّ الصدوق أيضا قائل بهم؛ لأنّه لا يقول بالرؤية، بل يقول بالعدد، كما هو معروف. حجّة المشهور وجوه: الأوّل: ظاهر قوله تعالى ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ، خرج ما خرج بالدليل و بقي الباقي.[3]**

«فالمشهور بين الفقهاء (رضوان الله عليهم) عدم الفرق بينه و بين أن يري بعد الزوال»؛ اگر قبل از زوال هم ببینید فایدهای ندارد، باید دیشب دیده باشید.

«بل هذا هو المعروف منهم، إلّا ما نقل عن السيّد رحمه اللّه أنّه إذا رئي قبل الزوال، فهو لليلة الماضية»؛ در دو سال پیش بحث کردیم که آیا واقعاً سید این را فرموده ای نه، بحث کردیم. در آخرش هم بحث ما مرا عی ماند. یعنی الآن مطمئن نیستیم که سید به این صورت فرموده اند ای نه. جلساتش هست، اگر خواستید مراجعه بفرمایید.

«و ما قيل: إنّ الصدوق أيضا قائل بهم»؛ اینکه صدوق هم اینطور میفرمایند وهم است، چرا؟ « **لأنّه لا يقول بالرؤية، بل يقول بالعدد، كما هو معروف»؛** شیخ صدوق قائل به عدد هستند، میگویند «یتقی کما یتقی العامه». البته این هم معلوم نیست. من قبلاً عرض کردم. اصلاً خود فقیه عنوان دارد. اینکه بگوییم ایشان روایات عدد را آوردهاند و فرمودهاند «یتقی»، به این معنا است که اصلاً کاری با روایات رؤیت ندارد، صحیح نیست. یعنی الآن در ذهن من طلبه تقریباً قابل جمع است که ایشان هم روایات رؤیت را بگیرند و هم برای روایات عدد معنایی داشته باشند. دیگران بالمره روایات عدد را رد میکنند. لذا مانعی ندارد با هم قابل جمع باشند. چون

ایشان در فقیه برای روایات رؤیت، عنوان آوردهاند. بعد بگوییم ایشان روایات رؤیت را قبول ندارند؟!

«حجّة المشهور وجوه: الأوّل...»؛ تا «الثامن» را ذکر میکنند. «الثامن: ما رواه - في الموثّق كالصحيح - عن إسحاق بن عمّار»؛ این همان تعبیری است که سید هم در مصباح آوردهاند. لذا عرض کردم بعید نیست که همین عبارت استادشان بوده. آن اوائل کار بوده و لذا ایشان هم میگویند «فی الموثق کالصحیح».

تا آن جا که میفرمایند: «لو وقع هذا الاشتباه في آخر رمضان حين كنت صائما لصحّته، فتأمّل»؛ یعنی این احتمال را مطرح میکنند اما «فتامل» را هم دارند. بعد در صفحه ۵۱۷ سه احتمال را مطرح میکنند. میگویند بیانات اضافهای را میآوریم، برای روایت سه احتمال را میگویند. انشاللّه نگاه بفرمایید.

الحمدللّه رب العالمین

---

[1] رؤيت هلال، ج۱، ص: ۴۹۹

[2] جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج۱۶، ص: ۳۷۴

[3] رؤيت هلال، ج۱، ص: ۴۹۹

بازبینی #1
ایجاد شده 30 آوریل 2026 11:52:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 آوریل 2026 11:55:48 توسط ... .